



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# سجاد سید

آثار و فوائد دعا برای ظهور

دستور ممدی جلال آباد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دعا کنید برایم!

نویسنده:

مهدی خدامیان آرانی

ناشر چاپی:

اعتقاد ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	دعا کنید برایم!
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	قسمت ۱
۲۰	قسمت ۲
۲۶	آثار دعای ظهور
۲۶	اشاره
۲۸	قسمت ۱
۳۰	قسمت ۲
۳۴	قسمت ۳
۴۰	قسمت ۴
۴۴	قسمت ۵
۴۶	قسمت ۶
۴۸	قسمت ۷
۵۰	قسمت ۸
۵۴	قسمت ۹
۵۸	قسمت ۱۰
۶۲	قسمت ۱۱
۶۴	قسمت ۱۲
۶۸	قسمت ۱۳
۷۲	قسمت ۱۴
۷۴	قسمت ۱۵
۷۶	قسمت ۱۶

۷۸	.....	قسمت ۱۷
۸۰	.....	قسمت ۱۸
۸۲	.....	قسمت ۱۹
۸۴	.....	قسمت ۲۰
۸۶	.....	مجلس دعای ظهور
۹۰	.....	منابع
۹۴	.....	سوالات گزینه ای
۱۰۱	.....	درباره مرکز

**دعا کنید برایم!**

**مشخصات کتاب**

سرشناسه: خدّامیان آرانی، مهدی، 1353

عنوان: دعا کنید برایم! / تألیف مهدی خدّامیان آرانی [برای] مجموعه تخصصی امام حسین (علیه السلام) و عاشورا

مشخصات نشر: مشهد: اعتقاد ما، 1400

مشخصات ظاهری: 84 ص.

بهاء: 15000 تومان

ISBN: 978-622-6062-86-2

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، 255 ق.- دعاها

موضوع: دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

موضوع: مهدویت-انتظار

شناسه افزوده: موسسه تخصصی امام حسین (علیه السلام) و عاشورا

رده بندی کنگره: 1400 ، 7 د 4/خ / 224 Bp

رده بندی دیویی: 297 / 462

شماره مدرک: 7582918

عنوان کتاب: دعا کنید برایم!

تألیف: دکتر مهدی خدّامیان آرانی

ناشر: اعتقاد ما

مدیر هنری: محمد عباس زاده

تیراژ: 1000 نسخه

نوبت چاپ: اول، زمستان 1400

ISBN: 978-622-6062-86-2

مشهد: تقاطع شهدا، خیابان بهجت، بین کوچه 4 و 6، نشر اعتقاد ما

nashre-eteghadema@yahoo.com \* 09352224689-05132225610

قم: خیابان کلهری بعد از کوچه 43 خیابان حیدریان بین ک 3 و 5

ketabashura@hotmail.com \* 09369894472-09388154652

ص: 1

**اشاره**

دعا کنید برایم!

آثار و فوائد دعا برای ظهور

دکتر مهدی خُدامیان آرانی





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3



دعا کنید برایم!

دکتر مهدی خُدامیان آرانی

ص: 5



جوان بودم و مشتاق معرفت. آن روزها بود که با کتاب «مِکْیَالُ الْمَکَارِمِ» آشنا شدم، بارها آن کتاب را خواندم و هر بار که آن را می خواندم به اهمیت دعا برای ظهور بیشتر پی می بردم.

کم کم این باور در من شکل گرفت که مهم ترین بخش آن کتاب، بخشی است که درباره اثرهای دعای ظهور سخن می گوید، پس تصمیم گرفتم تا آن بخش را گلچین کنم و آن را برای جوانان این روزگار به زبانی ساده و گویا، بازنویسی کنم.

اکنون خدا را سپاس می گویم که به من توفیق انجام این کار را داد و من این کتاب را نوشتم، در این کتاب تلاش کرده ام تا مطالب مهم تر را بازگو کنم، من می دانم که زمانه عوض شده است و جوانان حوصله خواندن کتاب های طولانی را ندارند، پس مراعات این نکته را نمودم و کتاب را مختصر نوشتم تا جوانان به مطالعه آن رغبت کنند.

قم - مهدی خدّامیان

اسفند سال 1399 هجری شمسی



سلام بر تو ای آقای من! ای مولای من! دوست دارم همیشه سلام خود را به شما هدیه کنم و در همه لحظه ها بر تو سلام می کنم! تو همان موعودی هستی که خدا وعده آن را به اهل ایمان داده است، تو سرانجام می آیی و جهان را پر از عدل و داد می کنی! آری، سرانجام می آیی و دل های شیعیانت با ظهور تو، غرق شادمانی می شود.

می دانم که چقدر شیعیانت را دوست داری، وقتی شادی آنها را می بینی شادمان می شوی، دوست داری غمی به دل آنها نباشد، هر چند آنها تو را نمی بینند، ولی از حال و روز آنها خبر داری، آنها را می بینی، صدایشان را می شنوی و به اذن خدا به آنها نزدیک هستی، خدا تو را خزانه دار علم و دانش خود قرار داده است و به همین دلیل بر آنچه بر شیعیانت می گذرد باخبر هستی.



آقای من! تو از شیعیانِ خواستی تا برای ظهور تو، بیشتر دعا کنند، این پیام تو است: «برای ظهورم بسیار دعا کنید که این زیاد دعا کردن برای ظهور، گشایش امر خود شماست». این پیام مهم تو بود.

امروز تو از دیده‌ها پنهان و پشت پرده غیبت هستی و شیعیان نمی‌توانند تو را ببینند. مهم‌ترین وظیفه آنها در این روزگار، دعا برای ظهور توست تا از زندانِ غیبت آزاد گردی.

پیام مهم تو را در اینجا بازگو کردم، این پیام را به نائبِ دوّم خود فرمودی تا آن را به شیعیان برساند، نائبِ دوم تو، «محمدبن عثمان» بود که در سال 305 هجری قمری از دنیا رفت، یعنی تقریباً 40 سال از زمانِ غیبت گذشته بود که تو از شیعیانِ خواستی تا برای ظهور، زیاد دعا کنند، ولی آیا شیعیان به این وظیفه خود عمل کردند؟ افسوس که زیاد دعا کردن برای ظهور تبدیل به فرهنگ عمومی نشد و دورانِ غیبتِ امام، این قدر طول کشید!

من کمی فکر می‌کنم، به این نکته می‌رسم که چهل سال از روزگار غیبت گذشته بود و تو از شیعیان خواستی تا برای ظهور، زیاد دعا کنند، ولی آنها این کار را نکردند، پس امروز که تقریباً هزار و صد سال از آن پیام می‌گذرد، تو چه سخنی با ما داری؟ به راستی ما چقدر به یاد تو هستیم و چقدر برای تو دعا می‌کنیم؟ افسوس که غفلت همه جا را فراگرفت، ما پیمان خود با تو را شکستیم و از وظیفه اصلی خود، دور شدیم...

سال های سال از آن پیام تو گذشت، عالمان شیعه همواره مردم را تشویق کردند تا برای ظهور تو دعا کنند، سال 1330 هجری قمری فرا رسید، «آیت الله موسوی اصفهانی» تصمیم گرفت تا کتابی درباره «فوائد دعا برای ظهور» بنویسد، او دست به این اقدام زد و این گونه بود که کتاب «مِکْیَالُ الْمَکَارِمِ» نوشته شد، «مِکْیَال» به معنای «پیمان» است. «مِکَارِم» به معنای «خوبی ها» است.

دعا برای ظهور تو، عصاره همه خوبی ها است، هر چه خوبی در این دنیاست در دعا برای ظهور جمع شده است، زیرا کسی که برای ظهور تو دعا می کند خوبی ها و زیبایی ها را برای همه دنیا می خواهد، او دعا می کند روزی فرا برسد که عدالت در سرتاسر جهان سایه بگستراند، ظلم و ستم به پایان رسد و بشر به کمال راستین خود برسد.

اگر دعا برای ظهور، عصاره همه خوبی ها است چرا کسی قبل از «آیت الله موسوی اصفهانی» درباره این موضوع، کتاب مستقل نوشت؟ چرا کسی به این موضوع مهم، توجه ویژه ای نکرد؟

وقتی من بررسی می کنم می بینم که شیعیان بیش از دویست کتاب درباره «نماز شب» نوشته اند، ولی تعداد کتاب هایی که درباره دعای ظهور است به تعداد انگشتان دست نمی رسد! کاش نویسندگان کتاب های بیشتری درباره «دعای ظهور»

می نوشتند تا «عصاره همه خوبی ها» برای مردم بیشتر روشن می شد، کاش همه به اهمیت دعای ظهور پی می بردند!

\*\*\*

من خودم اولین مقصر هستم! بیش از صد کتاب نوشتم، موضوعات مختلف را در کتاب هایم واکاوی کردم ولی درباره «دعای ظهور» کتابی ننوشتم، من چه خطای بزرگی انجام دادم، چه غفلت بزرگی! تو از خدا بخواه تا خطای مرا ببخشد و مرا مؤاخذه نکند!

آقای من! مرا ببخش! برای خیلی از موضوعات کتاب نوشتم ولی برای آنچه تو دوست داشتی قلم نزدم! انتظار تو این بود که دعای ظهور تبدیل به یک فرهنگ عمومی در جامعه شیعه بشود، سبک زندگی شیعیان، رنگ و بوی دعای ظهور را بگیرد. به راستی در کجای زندگی من، دعای ظهور نقش دارد؟ چقدر این امر مهم تو در سبک زندگی من جلوه دارد؟

\*\*\*

اکنون خدا را شکر می کنم که به من توفیق داد تا امروز قلم در دست بگیرم و به وظیفه ام عمل کنم، پس در حالی که از شرمندگی تو، سر به زیر دارم این کتاب را می نویسم، در نوشتن این کتاب از مطالبی که آیت الله موسوی اصفهانی مطرح کرده است بهره می برم، امیدوارم بتوانم با قلمی رسا و گویا برای نسل جوان، اهمیت دعا برای ظهور را بازگو کنم و آثار و برکات این دعا را بیشتر روشن کنم.

ص: 12

تو از شیعیانت انتظار داری که بیشتر برایت دعا کنند و این گونه به یاد تو باشد و تو را از یاد نبرند، کسی که برای تو دعا می کند، باور قلبی اش به توفیق تو می شود و از وسوسه شیطان نجات پیدا می کند، دعا برای ظهور تو، عصاره همه خوبی ها است.

اگر کسی از من سؤال کند: مهم ترین پیام مهدی (علیه السلام) برای شیعیان چیست؟ من در پاسخ به او آن پیام تو را بازگو می کنم که از شیعیانت خواستی برای ظهور تو بسیار دعا کنند. باور من این است که این پیام، سبک زندگی شیعه را در عصر غیبت می سازد، به شیعه هویت می دهد، به برکت این پیام، شیعه از ناامیدی نجات پیدا می کند و باور به آینده ای زیبا در قلب او شکل می گیرد، در اوج سختی ها و مشکلات، امیدش را از دست نمی دهد و به سرچشمه امید وصل می شود.

من در اینجا از آرزوی خود سخن می گویم: چطور همه ما سوره حمد را حفظ کرده ایم زیرا در نماز باید آن را بخوانیم، پس چقدر خوب است که اصل پیام تو را که به عربی است حفظ کنیم و آن را به خاطر داشته باشیم، زیرا همین پیام عربی، رمز هویت ماست:

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرْجَكُمْ».

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که این زیاد دعا کردن، گشایش امور خودتان است».

به راستی منظور از «فرج» چیست؟ این پیام تو، مقدمه ای هم دارد، وقتی ما آن مقدمه را می خوانیم متوجه می شویم که منظور از این کلمه همان «ظهور» است، زیرا در مقدمه سخن خود، چنین گفتی: «خدا مرا از دیده ها پنهان نمود تا هرگز مجبور نباشم با ستمگران و طاغوت ها بیعت کنم، مردم در روزگار غیبت از من بهره مند می شوند همانگونه که در روز ابری از خورشید پشت ابرها بهره مند می شوند...»، بعد از این سخنان از شیعیان می خواهی تا برای «فرج» زیاد دعا کنند. (1)

ص: 14

1- . و أخبرني جماعة عن جعفر بن محمد بن قولويه و أبي غالب الزراري وغيرهما عن محمد بن يعقوب الكليني عن إسحاق بن يعقوب قال سألت محمد بن عثمان العمري رحمه الله أن يوصل لي كتابا قد سألت فيه عن مسائل أشكلت علي فورد التوقيع بخط مولانا صاحب الدار (ع) أما ما سألت عنه أرشد الله و ثبتك من أمر المنكرين لي من أهل بيتنا و بني عمنا فاعلم أنه ليس بين الله عز و جل و بين أحد قرابة و من أنكرني فليس مني و سبيله سبيل ابن نوح و أما سبيل عمي جعفر و ولده فسبيل إخوة يوسف علي نبينا و آله و عليه السلام... أما ظهور الفرج فإنه إلى الله عز و جل كذب الوقاتون... أما علة ما وقع من الغيبة فإن الله عز و جل يقول يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ إِنْه لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَةٌ زَمَانَهُ وَإِنِّي أَخْرَجْتُ حِينَ أَخْرَجْتُ لَأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي و أما وجه الانتفاع في غيبتك فكالانتفاع بالشمس إذا غيبتك عن الأبصار السحاب و إني لأمان أهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء فاعلقوا أبواب السؤال عما لا يعينكم و لا تتكلفوا على ما قد كفيتم و أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم و السلام عليك يا إسحاق بن يعقوب و علي من اتبع الهدى: الغيبة للطوسي ص 291.

روشن و واضح است که منظور از این پیام این است که شیعیان برای ظهور تو، زیاد دعا کنند، وقتی زمان ظهور فرا برسد تو از زندان سختی ها و گرفتاری ها آزاد می شوی و در همه جهان، عدل و داد را برپا می کنی. (1)

\*\*\*

پیام تو این است: «برای ظهور من، زیاد دعا کنید!»، پس زیاد دعا کردن، نکته اساسی این پیام توست. همه سخن در این است که زیاد دعا کردن، باعث می شود تا در امر دنیا و آخرت شیعیان، گشایش ایجاد شود.

اکنون این سؤال مطرح می شود: من در شبانه روز چند بار باید دعا کنم تا زیاد دعا کرده باشم؟ وقتی به احادیث مراجعه می کنیم متوجه می شویم که اگر در شبانه روز صدبار دعا کنیم، زیاد دعا کرده ام. (2)

ص: 15

1- «ذالک» به معنای «آن» است، در زبان عربی وقتی ما می خواهیم به چیزی که دور است اشاره کنیم از «ذالک» استفاده می کنیم. «فَإِنَّ فِي ذَالِكَ فَرَجًا لَكُمْ»، «همان در آن، فرج شما شیعیان است»، «ذالک» اشاره به چیزی است که دورتر است، پس باید ببینیم در این سخن، چه معنایی از همه، دورتر است. وقتی دقت می کنیم می بینیم که «اکثار الدعاء» یا «زیاد دعا کردن» معنایی است که دورتر است، پس منظور از «ذالک» همان «زیاد دعا کردن» است.

2- این که عدد 100 همان «ذکر کثیر» است از حدیث زیر استفاده می شود: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع مِنَ الذُّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»: الكافي ج 2 ص 500. ما می دانیم که مجموع ذکرهای در تسبیح حضرت زهرا عدد 100 می باشد، وقتی ثابت شد که «ذکر کثیر» یا «ذکر زیاد» همان عدد 100 است، پس استفاده می کنیم که «دعای کثیر» هم همان صد بار دعا کردن است.

باید يك تصميم مهم بگیریم، وقتی نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء را می خوانم سعی کنم در قنوت هر نماز، بیست بار چنین بگویم: «اللهمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» (اگر در قنوت این کار را انجام ندادم، پس بعد از نماز، بیست بار این ذکر را تکرار کنم). در این صورت هر روز، صد بار برای ظهور تو دعا کرده ام و آن وقت است که آثار و برکات عجیب آن را خواهم دید.

اگر من نمی توانم روزی صد بار برای ظهور دعا کنم چقدر خوب است حداقل روزی سی بار دعا کنم زیرا کسی که هر روز سی بار برای ظهور دعا کند، زیاد برای ظهور دعا کرده است. (1)

\*\*\*

چگونه زیاد دعا کردن برای ظهور تو باعث گشایش امر شیعیان می شود؟ جواب این سخن روشن و واضح است، دعای شیعیان اثر دارد، وقتی همه از صمیم دل دست به دعا بردارند و از خدا ظهور تو را بخواهند، خدا ظهور تو را نزدیک می گرداند، آن وقت است که تو از راه می رسی، حکومت عدل و داد را برقرار می کنی، پس همه شیعیان از گرفتاری ها نجات پیدا می کنند و در کار

ص: 16

---

1- . دلیل این که عدد 30 مصداق «ذکر کثیر» است این حدیث می باشد: عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا مَاذَا الذِّكْرُ الْكَثِيرُ قَالَ أَنْ يُسَبِّحَ فِي دُبْرِ الْمَكْتُوبَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً: (تهذیب الأحكام ج 2 ص 108) وقتی ثابت شد که «ذکر کثیر» یا «ذکر زیاد» عدد 30 است، پس استفاده می کنیم که «دعای کثیر» هم همان سی بار می تواند باشد.

آنان، گشایش روی می دهد و همه گرفتاری ها و سختی ها برطرف می شود.

از طرف دیگر، اگر مصلحت خدا بر آن بود که ظهور زود فرا نرسد، پس شیعه واقعی تسلیم امر خداست و هرگز اعتراض نمی کند، او دعا می کند و از خدا می خواهد که ظهور تو هر چه زودتر فرا برسد اما روحیه تسلیم دارد و به آنچه خدا تقدیر می کند راضی است، به هر حال اگر شیعه ای برای ظهور تو دعا کرد ولی ظهور تو فرا نرسید، پس همین دعا کردن برای او برکات زیادی دارد، مثلاً بلاها را از او دور می کند، حاجت های شخصی او برآورده می شود، گرفتاری های او برطرف می گردد، او با دعا کردن شکر نعمت خدا را به جا آورده است، عهد و پیمان خود را با امام تجدید کرده است و...

اکنون وقت آن است تا درباره برکات و آثار دعا کردن برای ظهور تو سخن را آغاز کنم تا همگان بدانند وقتی برای ظهور تو دعا می کنند چگونه به عصاره همه خوبی ها دست یافته اند.

در ادامه کتاب بیست فایده و اثر دعای ظهور را ذکر می کنم و به همین مقدار بسنده می کنم زیرا بر این باور هستم که «در خانه اگر کس است يك حرف بس است...».

ص: 17









نام او «ابراهیم بن شعیب» بود، او یکی از یاران امام صادق(علیه السلام) بود که به سفر حج رفته بود، در روز عرفه در صحرای عرفه دست به دعا برداشته بود، او مانند ابر بهار گریه می کرد و دعا می کرد. یکی از دوستانش نزد او رفت و به او چنین گفت: امروز خیلی گریه کردی و دعا کردی، دیگر کافی است!

او چنین پاسخ داد:

امروز برای خودم حتّی يك دعا هم نکردم! اینجا بود که دوست او تعجب کرد و گفت: پس این همه وقت به چه کسی دعا می کردی؟ او پاسخ داد: من برای دوستان خود دعا می کردم؛ زیرا از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که فرمود: «هر کس که برای برادر خود دعا کند خداوند فرشته ای را مأمور می کند تا آن فرشته همان دعا را که او برای برادر مؤمن خود کرده است در حقّ او بنماید»، به خاطر این سخن امام صادق(علیه السلام) من برای دوستانم دعا می کنم؛ من هر دعایی داشتم،

ص: 21

آن دعا را برای دیگران خواستم تا آن فرشته، همان را برای من بخواهد و دعا کند؛ زیرا من در استجاب دعاى خود شك دارم؛ ولی می دانم دعاى آن فرشته حتماً مستجاب می شود!<sup>(1)</sup>

این ماجرا مرا به فکر فرو برد، این وعده امام صادق(علیه السلام) است که هر کس برای مؤمنی دعا کند، فرشته برای او همان دعا را می نماید، به راستی اگر برای تو که مولای من هستی دعا کنم حتماً آن فرشته در حق من دعا می کند، وقتی من از خدا می خواهم تا تو را از زندان گرفتاری ها نجات بدهد، آن فرشته هم دعا می کند که من از گرفتاری ها نجات پیدا کنم، این راز مهمی است که باید به آن توجه کرد.

مولای من! من افرادی را دیده ام که گرفتار بوده اند و مشکلات زیادی داشته اند، اما به جای آنکه برای رفع گرفتاری خود دعا کنند، برای تو دعا کرده اند و خدا گرفتاری آنان را برطرف کرده است، آری، کسی که برای تو دعا کند، فرشتگان در حق او دعا می کنند...

ص: 22

---

1- . الکافی، ج 4، ص 465؛ تهذیب الأحکام، ج 5، ص 185؛ بحار الانوار، ج 93، ص 392.

شیطان دشمن سعادت انسان است، او سوگند یاد کرده است که انسان ها را گمراه کند و به خاک سیاه بنشانند، برای همین او همه تلاش خود را به کار می برد، او شیعیان را به حال خود رها نمی کند، بلکه برای گمراهی آنان بیشتر تلاش می کند، من به خدا پناه می برم از دست وسوسه های این دشمنی که لحظه ای غافل نمی شود، او هر لحظه به دنبال گمراهی من است، او می داند که باور و اعتقاد من چقدر ارزش دارد، او می داند من چه گوهر ارزشمندی در دست دارم، پس تلاش می کند تا من آن را از دست بدهم و به جای «ایمان» به سوی «شک» و «تردید» گام بردارم.

به راستی من چه باید بکنم؟ در مقابل این شیطان چه کاری از دست من بر می آید؟ هیچ چیز بهتر از راستگویی نیست، به یاد دارم که یک بار ناامید شدم وقتی قدرت شیطان را دیدم که چگونه با روح و جان من بازی می کند و چنان بر من هجوم می آورد که من تاب و توان مقابله با او را ندارم، این ناامیدی از مبارزه با شیطان، درد جانکاهی برای من بود، اینجا بود که از تو کمک خواستم تا یاری ام کنی و یاری تو به من رسید و مرا نجات داد، یاری تو، آشنایی من با این حدیث پیامبر بود که چقدر زیبا و امیدبخش است.

روزی از روزها پیامبر به یارانش فرمود: آیا می خواهید کاری کنید که شیطان از شما خیلی دور شود؟ فاصله مشرق زمین تا مغرب آن چقدر است؟ آیا می خواهید شیطان به همین اندازه از شما فاصله بگیرد؟ بدانید که روزه گرفتن، صورت شیطان را سیاه می کند، صدقه دادن، کمر او را می شکند، دوستی در راه خدا و همکاری در کار نیک، امیدش را ناامید می کند، وقتی شما از گناهان خود استغفار می کنید رگ قلب او را پاره می کنید. (1)

چه راه حل زیبایی! اگر من این کارها را انجام بدهم، شیطان از من فاصله می گیرد، من اکنون خدا را شکر می کنم که

ص: 24

---

1- . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُؤَاوَزَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَفْطَعُ دَابِرَهُ وَالْإِسَاءَةُ تَغْفَارُ يَفْطَعُ وَتَيْنَهُ وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ: الكافي ج 4 ص 62، وسائل الشيعة ج 60 ص 261.

هر روز صبح برای سلامتی تو، صدقه می دهم، این چه توفیق بزرگی بود و من خبر نداشتم که صدقه دادن باعث شکستن کمر شیطان می شود، وقتی من به نیت سلامتی تو، صدقه می دهم اثر و قدرت آن خیلی زیادتر می شود، از امروز به بعد تصمیم می گیرم هرگز از صدقه دادن برای سلامتی تو، غافل نشوم، دوستان و فرزندان خود را هم به این کار تشویق می کنم.

اما آنچه امید شیطان را ناامید می کند و قدرت او را به سمت نابودی می برد محبت و دوستی در راه خداست، به راستی کدام دوستی در راه خدا از دوست داشتن تو، بهتر است؟ من تو را به خاطر این که خدا تو را امام من قرار داده است دوست دارم، محبتی که به تو دارم جلوه ای از محبت خداست، خدا را به خاطر این نعمت شکر می کنم، از طرف دیگر وقتی من برای ظهور تو دعا می کنم محبت خود را نشان می دهم، آری، هر کس که برای ظهور تو دعا می کند، دوستی اش را به نمایش می گذارد و در بهترین کار نیک (که همان ظهور توست) همکاری می کند، او با این کار شیطان را از خود ناامید می کند و شیطان از او دور می شود، این گونه است که دیگر اثری از وسوسه های او باقی نمی ماند و شك ها و تریدها از بین می رود.

به راستی که چقدر این سخن، نور امید را در دل ها زنده می کند، شیطان و یاران او هر قدر می خواهند تلاش بکنند، اما ما را غم و غصه ای نیست، وقتی برای تو دعا می کنیم با همین دعا، سپاه شیطان را شکست می دهیم، آنان را بیچاره می کنیم، هر کس این نکته را بداند دیگر می فهمد چرا شیطان این قدر تلاش می کند تا مردم از دعای ظهور غافل شوند، زیرا دعا برای



ظهور است که اثر اقدام های شیطان را از بین می برد و امید شیطان را ناامید می کند.

\*\*\*

«اسحاق بن عمّار» یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) بود، يك روز آن حضرت به او فرمود: «ای اسحاق! تا آنجا که می توانی به مؤمنان نیکویی کن، هر کس به مؤمنی نیکویی کند باید بداند که با این کار خود قلب شیطان را به درد آورده است»<sup>(1)</sup>.

مولای من! نیکویی به مؤمن و یاری کردن او، قلب شیطان را به درد می آورد و او را ناامید می کند، پس وقتی من برای تو دعا می کنم، قلب شیطان را به درد می آورم زیرا دعا کردن برای تو، نیکویی کردن به تو و یاری نمودن توست و تو سرور و آقای مؤمنان هستی، پس با یاری تو قلب شیطان بیشتر به درد می آید.

ص: 26

---

1- . عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَحْسِنُ يَا إِسْحَاقُ إِلَى أَوْلِيَائِي مَا اسْتَطَعْتَ فَمَا أَحْسَنَ مُؤْمِنٌ إِلَى مُؤْمِنٍ وَلَا أَعَانَهُ إِلَّا خَمْسَ وَجْهَ إِبْلِيسَ وَقَرَّحَ قَلْبَهُ: الكافي ج 2 ص 207، بحار الانوار ج 71 ص 301.

در اینجا می‌خواهم ماجرای «عبد الرحمان اصفهانی» را نقل کنم، او یکی از شیعیان امام هادی (علیه السلام) بود و در اصفهان زندگی می‌کرد و خدا به او ثروت فراوانی داده بود، او همواره پنجاه هزار سکه طلا در خانه داشت (به غیر از خانه و املاک دیگری که متعلق به او بود). خدا به او ده پسر داده بود.

کسانی که او را می‌شناختند می‌دانستند که روزگاری او فقیر بود و اصلاً خدا به او فرزند هم نمی‌داد، برای همه سؤال بود که چگونه به یکباره ثروت به او رو کرد و زندگی او از این رو به آن رو شد، او چه کار کرده بود که زندگی اش این گونه برکت گرفته بود.

از طرف دیگر، در منطقه ای که او زندگی می‌کرد همه از

اهل سنت بودند، در میان آن جمعیت، فقط او بود که شیعه بود، به راستی چه اتفاقی افتاده بود که او را شیعه اهل بیت (علیهم السلام) کرده بود؟

وقتی یکی از دوستانش از او این سؤال را پرسید او ماجرای خود را این گونه بازگو کرد: همه مردم متوکل عباسی را به عنوان خلیفه می شناختند و او را سایه خدا بر روی زمین معرفی می کردند، من که شخصی فقیر بودم از وضعیت جامعه ناراضی بودم و گاه گاهی در سخنان خود از حکومت گلایه می کردم. در آن زمان فرماندار اصفهان به مردم ظلم زیادی می کرد، اصفهان یکی از شهرهایی بود که متوکل، فرماندار برای آن معین می کرد. مردم اصفهان که شجاعت مرا دیدند از من خواستند تا به سامرا بروم و به متوکل خبر بدهم که فرماندار اصفهان در حق مردم ظلم می کند. من پیشنهاد آنان را پذیرفتم و راهی سامرا شدم، سامرا پایتخت حکومت بود.

وقتی به سامرا رسیدم به کاخ متوکل رفتم، می خواستم مأموریت خود را انجام دهم که دیدم غوغایی برپاست، عدّه ای از سربازان با عجله برای مأموریتی می روند، آنان بسیار خشمگین بودند، از یکی پرسیدم: اینجا چه خبر است؟ او گفت: متوکل دستور داده است تا امام دهم شیعیان را به کاخ بیاورند، متوکل بسیار عصبانی است و می خواهد او را به قتل برساند.

من از دربار بیرون آمدم، مدتی گذشت، از دور دیدم سربازان حکومت، آقایی را به سوی دربار می برند، وقتی چشمم به او افتاد محبتش به دلم افتاد، پس در دل خود برای او دعا کردم و گفتم: «خدایا! از تو می خواهم این آقا را از شرّ متوکل نجات بدهی». من

بارها این دعا را در دلم تکرار کردم، نگاهم به آقا خیره شده بود، آن آقا جلو آمد، وقتی به من رسید چنین فرمود: «خدا دعای تو را مستجاب کرد! من از خدا می خواهم که به تو عمر طولانی، ثروت فراوان و فرزندان زیاد عطا کند!». من متعجب شدم، این آقا از راز دل من آگاه بود، او می دانست که من برای او دعا کرده ام.

ساعتی آنجا ماندم تا این که دیدم آن آقا به سلامت از دربار متوکل بیرون آمد، خدا را شکر کردم، یکی از شیعیان را پیدا نمودم و ماجرا را برای او گفتم، او به من گفت که آن آقا، امام هادی (علیه السلام) است، او امام دهم ما شیعیان است. اینجا بود که من شیعه شدم.

وقتی به اصفهان بازگشتم، خدا به من ثروت بسیار زیادی داد، من که روزگاری فقیر بودم، اکنون به برکت دعای امام هادی (علیه السلام) بیش از پنجاه هزار سکه طلا دارم، خانه و املاک فراوان دارم، خدا به من ده پسر داده است و بیش از هفتاد سال از خدا عمر گرفته ام.

\*\*\*

جا دارد که این ماجرا را بارها و بارها بخوانم زیرا این ماجرا به صورت واضح آشکار می سازد که اگر کسی برای امام زمانش دعا کند، عاقبت به خیر می شود و زندگی او برکت می گیرد و عمر او طولانی می شود. بعضی ها می گویند: «اگر يك دعای مستجاب داشته باشم آن را برای عاقبت به خیری قرار می دهم»، ولی من به آنان می گویم: «اگر آن دعا را برای ظهور قرار بدهیم، هم عاقبت به خیر می شویم و هم زندگی ما برکت می گیرد».

مولای من! شیوه و سنت تو همانند جدّت امام هادی (علیه السلام) است، هر کس برای تو دعا کند، تو هم در حق او دعا می کنی، طول عمر و برکت را برای او می خواهی و برای عاقبت به خیری او دعا می کنی، کاش شیعیان تو بیشتر با این سنت و روش تو آشنا بودند و بیشتر برای تو دعا می کردند، در این روزگار، تو در سختی ها گرفتار شده ای و در زندان غیبت هستی، تو به اذن خدا صدای هر کس که برای تو دعا می کند را می شنوی و برای او دعا می کنی، دعای تو هم مستجاب است و هرگز رد نمی شود، کسی که از صمیم دل برای تو دعا می کند دری از برکت و رحمت را به سوی خود گشوده است و به راز بزرگی دست یافته است.

جوانی می خواست ازدواج کند، نه کار داشت و نه پول. کسی به او زن نمی داد، به هر کجا برای خواستگاری می رفت به او جواب منفی می دادند، او مدت ها برای حاجت خود دعا کرد ولی به خواسته خود نرسید، کم کم داشت ناامید می شد.

روزی از روزها او به مجلسی رفت، سخنران درباره اهمیّت دعا برای ظهور سخن گفت و سپس روضه خواند اشک ها جاری شد و همه این جمله را تکرار کردند: «اللهمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ». آنجا بود که آن جوان به فکر فرو رفت، تصمیم گرفت تا برای امام زمان خود دعا کند و ظهور او را از خدا بخواهد، پس مصمّم شد تا در قنوت های نمازش بارها چنین بگوید: «اللهمَّ

عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ». او دیگر برای حاجت خود دعا نمی کرد، او به اهمیت دعا برای امام پی برده بود پس همه همت خود را برای دعای ظهور قرار داده بود.

مدتی گذشت، به برکت همان دعاهاى او، يك خانواده به او دختر دادند و برای او خانه ای هم تهیه کردند و اسباب کار او را هم فراهم ساختند، او هم ازدواج کرد و هم صاحب خانه شد و هم کار آبرومند برایش فراهم شد، او به این باور رسید که سخن مهدی(ع) حق است، این پیام آن حضرت از حقیقتی بزرگ خبر می هد: «برای ظهور من بسیار دعا کنید که بسیار دعا برای ظهور کردن، گشایش امور خودتان است». این جوان ماجرای خود را برای دوستانش بازگو می کرد تا همه به اثرات دعا برای مهدی(ع) پی ببرند و یقینشان به این سخن زیادتیر شود.

ص: 31



روزگار سختی است، «آخر الزمان» است، سپاه سیاهی ها جلوه نمایی می کند، روز به روز سلطه سیاهی ها بیشتر و بیشتر می شود، ابرهای فتنه آسمان دل ها را فرا می گیرد، غفلت بر همه جا سایه می افکند و اینجاست که برای خیلی ها دین داری سخت می شود، تشخیص حق از باطل مشکل می شود، خیلی ها فریب فتنه ها را می خورند، به اسم حق در دام باطل گرفتار می شوند و به سپاه شیطان می پیوندند.

در این روزگار چه باید کرد؟ چگونه می توان از فتنه های سخت آن، نجات پیدا کرد؟ چگونه می توان بر سپاه سیاهی ها پیروز شد و ایمان و باور قلبی را حفظ کرد؟

راه حل را فقط باید در سخن امام حسن عسکری (علیه السلام) جویا بشویم...



روزی از روزها، آن حضرت درباره روزگار غیبت سخن گفتند و به فتنه‌هایی که جامعه را فرا می‌گیرد اشاره کردند، یکی از یاران آن حضرت پرسید: «چه کسانی از آن فتنه‌ها نجات پیدا می‌کنند؟»، امام چنین پاسخ داد: «فقط کسانی از آن فتنه‌ها نجات پیدا می‌کنند که بر اعتقاد به امامت مهدی ثابت بمانند و خدا به آنان توفیق بدهد که برای ظهور دعا کنند».<sup>(1)</sup>

آری، این حدیث به ما گوشزد می‌کند که دعا برای ظهور مهدی (علیه السلام) چیزی است که خدا توفیق آن را می‌دهد، باید لطف خدا شامل حال ما شود، وگرنه شیطان در کمین است و ما را به هر چیزی مشغول می‌کند و نمی‌گذارد ما برای ظهور مولای خود دعا کنیم، هر گاه که نسیم رحمت بوزد و ما را از خواب غفلت بیدار کند دعا برای ظهور بر زبان ما جاری می‌شود.

مولای من! اگر من برای ظهور تو دعا کنم، از فتنه‌ها نجات پیدا می‌کنم، این وعده‌ای است که پدر بزرگوار توبه ما داده است،

ص: 34

---

1- . یا أحمد بن إسحاق، لولا كرامتك على الله عزّ وجلّ وعلى حججه ما عرضتُ عليك ابني هذا، إنّه سمّي رسول الله صلّى الله عليه وآله وكتبه، الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً. يا أحمد بن إسحاق، مثله في هذه الأمة مثل الخضر، ومثله مثل ذي القرنين، والله ليغيبنّ غيبةً لا ينجو فيها من الهلكة إلاّ من ثبته الله عزّ وجلّ على القول بإمامته، وفقه فيها للدعاء بتعجيل فرجه...: كمال الدين ص 384، مدينة المعاجز ج 7 ص 606، معجم أحاديث الإمام المهدي ج 4 ص 267، أعلام الوری ج 2 ص 248، كشف الغمّة ج 3 ص 333.

این سخن، گوهر ارزشمندی است که اهل معرفت، قدر آن را می دانند، در دعا برای ظهور تو، اثری نهفته است که مؤمن را در برابر آماج فتنه ها نیز حفظ می کند، کسی که برای ظهور تو دعا می کند در سایه سار امن قرار دارد، فتنه ها می آیند و می روند و خیلی ها را فریب می دهند، اما او همانند کوه استوار است، وقتی مردم به حیرت گرفتارند او به یقین رسیده است.

ص: 35



يك روز پیامبر به یاران خود رو کرد و چنین فرمود: «من در روز قیامت از چهار نفر شفاعت خواهم کرد هرچند که گناهان زیادی داشته باشند: کسی که خاندان مرا یاری کند، کسی که حاجت های آنان را برآورده کند، کسی که با قلب و زبانش آنان را دوست بدارد، کسی که سختی را از آنان دور گرداند».<sup>(1)</sup>

وقتی این حدیث را می خوانم به فکر فرو می روم، تو امروز یادگار پیامبر هستی، آقا و سرور خاندان پیامبر به حساب می آیی، کسی که برای ظهور تو دعا می کند با این کار تو را یاری کرده است، تو خودت از شیعیان خواستی تا برای ظهورت، بسیار دعا کنند، پس کسی که به این فرموده تو عمل کند، تو را یاری کرده است.

ص: 37

---

1- . حدثنا داود بن سليمان عن علي بن موسى الرضا قال حدثني أبي عن أبيه عن آبائه عن علي ع قال قال رسول الله ص أربعة أنا الشفيع لهم يوم القيامة ولو أتوني بذنوب أهل الأرض معين أهل بيتي والقاضي لهم حوائجهم عند ما اضطروا إليه و المحب لهم بقلبه و لسانه و الدافع عنهم بيده: الخصال ج 1 ص 196، الامالی للطوسی ص 279.

تو امروز در زندان سختی‌ها گرفتار آمده‌ای، کسی که شبانه روز برای ظهور تو دعا می‌کند در واقع از خدا می‌خواهد تا آن سختی‌ها از تو دور شود، همچنین او با دعا کردن برای تو، ثابت کرده است که تو را دوست دارد.

اکنون روشن و آشکار می‌شود آن کسی که برای تو دعا کند از شفاعت پیامبر در روز قیامت بهره‌مند خواهد شد، در روزی که مردم هیچ پناهی ندارند و همه از هم فرار می‌کنند، پیامبر به یاری او خواهد آمد و او با شفاعت پیامبر به بهشت وارد خواهد شد و در آغوش رحمت خدا جای خواهد گرفت.

ص: 38

معتبرترین کتاب شیعه، کتاب «کافی» است که شیخ کلینی آن را در قرن چهارم هجری نوشته است، اکنون می‌خواهم حدیثی را از این کتاب بنویسم، من بر این باورم که این حدیث، بسیار معتبر است زیرا همه کسانی که آن را نقل کرده‌اند مورد اعتماد بوده‌اند، این حدیث از امام صادق (علیه السلام) است، آن حضرت چنین فرموده است: «وقتی شخصی برای مؤمنی دعا می‌کند، خدا روزی خود آن شخص را زیاد می‌کند و بلاها را از او دور می‌گرداند».<sup>(1)</sup>

ص: 39

---

1- . مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يُدْرُ الرِّزْقَ وَيُدْفَعُ الْمَكْرُوهَ: الكافي ج 2 ص 507، وسائل الشيعه ج 7 ص 109.

آری، دعا برای مؤمن باعث می شود که رحمت خدا به جوششش بیاید، اینجاست که رزق و روزی همانند ابر بهار باریدن می گیرد و بلاها از آن شخص دور می گردد.

وقتی من این حدیث را خواندم به فکر فرو رفتم، زیرا فهمیدم خدا خیلی دوست دارد که ما، مؤمنان را دعا کنیم، وقتی در حق مؤمنان دعا می نمایم خدا رحمت گسترده خود را نازل می کند، چه بسا قرار است من به بیماری سختی مبتلا شوم یا گرفتاری خاصی برای من پیش آید، ولی وقتی برای مؤمنان دعا می کنم خدا آن بیماری یا بلا را از من دور می کند.

اگر دعا به مؤمنان این آثار را دارد، پس دعا به تو که مولای مؤمنان هستی چه آثاری خواهد داشت؟ روشن و واضح است که اگر من برای تو دعا کنم و ظهور تو را از خدا بخواهم، خدا رحمت بیشتری بر من نازل می کند و فقر، فلاکت و بلاها را از من دور می گرداند.

ص: 40

هیچ بلایی بدتر از این نیست که انسان گرفتار دل مردگی بشود، چنین کسی همیشه افسرده است و هیچ چیز نمی تواند به او شادی بدهد، زیرا او در درون از زندگی خالی شده است، او زنده است ولی بهره ای از زندگی ندارد.

درد انسان امروز همین دل مردگی است، او خیال می کند با پناه بردن به جلوه های پرفریب دنیا می تواند از این درد نجات پیدا کند، ولی دلی که مرده است شاید به دنیا مشغول شود و لحظاتی ادای شادی دریاورد، اما این کار فایده ای ندارد، شور و نشاط درونی چیزی نیست که بتوان آن را با جلوه های دنیایی خریداری کرد.



به راستی چگونه می توان از این درد رهایی یافت؟ چگونه می توان دلی زنده داشت و زندگی واقعی را تجربه کرد؟ حیاتِ دل به چیست؟ چقدر خوب است که در اینجا سخنی از امام رضا(علیه السلام) را بازگو کنم، آن حضرت چنین فرمود: «اگر کسی در مجلسی بنشیند که امر ما زنده می شود، دل او در روزگاری که همه دل ها می میرد زنده می ماند».(1)

آری، شرکت در مجلسی که با یاد اهل بیت(علیهم السلام) همراه است باعث می شود انسان دچار دل مردگی نشود، کسی که دلش با یاد اهل بیت(علیهم السلام) عجین شده است به زندگی واقعی دست یافته است.

آن کس که برای تو دعا می کند و ظهور تو را از خدا می خواهد به سببِ زندگی جدیدی دست یافته است که یاد تو را همواره زنده نگاه می دارد، او شب ها دقایقی زن و بچه خود را جمع می کند و همراه آنان با هم برای ظهور تو دعا می کند، اینجاست که يك مجلس خانگی شکل می گیرد و دل آنها زنده می ماند و از افسردگی نجات پیدا می کنند.

وقتی او نزد دوستانش است، از آنها اجازه می گیرد و دقایقی دست به دعا بر می دارد و برای ظهور تو دعا می کند و دوستانش به دعای او، «آمین» می گویند، این گونه است که آن مجلس، مجلس دعای ظهور می شود و دل های همه به نور ولایت تو، نورانی می گردد، دلی که با این نور روشن شد دیگر اسیر ناامیدی ها نمی شود و شیطان دیگر نمی تواند باورهای آنان را به یغما ببرد.

ص: 42

---

1- . من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب: الامالی للصدوق ص 73، بحار الانوار ج 44 ص 278.

آقای من! تو پیمان بزرگ خدایی! همان پیمانی که خدا بر آن تأکید زیادی کرده است. من بر سر آن پیمان بزرگ هستم، پیمانی که خدا از من گرفته است. آن روزی که خدا روح مرا آفرید، از من پیمان گرفت. روزی که خدا هم در قرآن از آن این گونه یاد می کند: (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ...)(1).

خدا آن روز با همه سخن گفت، او به همه چنین گفت: آیا من خدای شما نیستم؟ همه در جواب گفتند: آری! شهادت می دهیم که تو خدای ما هستی. بعد از آن، خدا پیامبران خود را معرفی کرد و سپس نوبت به معرفی کسانی رسید که جانشینان پیامبران بودند. خدا آنان را نیز معرفی کرد، او به همه دستور داد تا از پیامبران و جانشینان آن ها اطاعت کنند.

ص: 43

آن روز خدا از تو سخن گفت. این سخن خدا بود: «من با مهدی، دین خود را یاری خواهم نمود».(1)

آن روز بود که من با تو آشنا شدم، تو را شناختم و به مقام تو اعتراف نمودم.(2) آری! خدا از من پیمان گرفته است و در قرآن بارها از این عهد و پیمان یاد کرده و به من هشدار داده و از من عهد

ص: 44

1- . «عن زرارة، عن حمران، عن أبي جعفر(ع)، قال: إنَّ الله تبارك وتعالى حيث خلق الخلق خلق ماءً عذباً وماءً مالحاً أجاجاً، فامتزج الماءان، فأخذ طيناً من أديم الأرض فعركه عركاً شديداً، فقال لأصحاب اليمين وهم كالذر يدبّون: إلى الجنة بسلام، وقال لأصحاب الشمال: إلى النار ولا أبالي، ثم قال: ألسْتُ برَبِّكم؟ قالوا: بلى شهدنا أن تقولوا يوم القيامة إنا كنا عن هذا غافلين، ثم أخذ الميثاق على النبيين، فقال: ألسْتُ برَبِّكم وأنَّ هذا محمّدٌ رسولِي، وأنَّ هذا عليٌّ أمير المؤمنين؟ قالوا: بلى، فثبتت لهم النبوة وأخذ الميثاق على أولي العزم أنني ربكم ومحمّدٌ رسولِي، وعليٌّ أمير المؤمنين، وأوصياؤه من بعده ولاة أمري وخزان علمي عليهم السلام، وأنَّ المهدي أنتصرُ به لديني، وأظهر به دولتي، وأنتقم به من أعدائي، وأعبد به طوعاً وكرهاً، قالوا: أفررنا يا ربَّ وشهدن...»: الكافي ج 2 ص 8، بصائر الدرجات ص 90، مختصر بصائر الدرجات ص 155، المحتضر ص 211، بحار الأنوار ج 26 ص 108، التفسير الصافي ج 3 ص 324، تفسير نور الثقلين ج 2 ص 94، مكيال المكارم ج 1 ص 433.

2- . «عن الأصبغ بن نباتة عن علي(ع)، قال: أتاه ابن الكوّاء فقال: يا أمير المؤمنين، أخبرني عن الله تبارك وتعالى هل كلّم أحداً من ولد آدم قبل موسى؟ فقال عليّ: قد كلّم الله جميع خلقه برّهم وفاجرهم، وردّوا عليه الجواب، فثقل ذلك على ابن الكوّاء ولم يعرفه، فقال له: كيف كان ذلك يا أمير المؤمنين؟ فقال له: أو ما قرأ كتاب الله إذ يقول لنبيّه: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى)، فقد أسمعهم كلامه وردّوا عليه الجواب، كما تسمع في قول الله يا بن الكوّاء (قَالُوا بَلَى)، فقال لهم: إني أنا الله لا- إله إلا أنا وأنا الرحمن، فأقرّوا له بالطاعة والربوبية، وميّز الرسل والأنبياء والأوصياء، وأمر الخلق بطاعتهم، فأقرّوا بذلك في الميثاق، فقالت الملائكة عند إقرارهم بذلك: شهدنا عليكم يا بني آدم أن تقولوا يوم القيامة إنا كنا عن هذا غافلين»: تفسير العياشي ج 2 ص 41، تفسير نور الثقلين ج 2 ص 99.

گرفته است که آن پیمان را نشکنم. وقتی من برای ظهور تو دعا می کنم، اعلام می دارم که بر سر آن پیمان خود، وفادار مانده ام، این دعا نشانه آن است که بر سر عهدم مانده ام و همین باعث می شود که خدا از من راضی و خشنود باشد.

اکنون می دانم که دعای ظهور حکایت از آن دارد که شیطان بر من پیروز نشده است، او نتوانسته است مرا به غفلت گرفتار سازد، بلکه من هشیار بوده ام و آن پیمان بزرگ را به یاد دارم و بر آن وفادارم.

ص: 45



اسم او «هشام بن حَكَم» بود، اهل کوفه بود، او شنیده بود که امام صادق (علیه السلام) برای حج به مکه سفر می کند، برای همین به سوی مکه حرکت کرد تا علاوه بر انجام حج، امام زمانش را هم ببیند.

وقتی همه حاجیان به سرزمین «مِنا» کوچ کردند، او هم به آنجا رفت، مراسم قربانی را انجام داد و سپس به سوی خیمه امام صادق (علیه السلام) حرکت کرد، وقتی وارد خیمه شد، سلام کرد و امام به مهربانی جواب او را دادند و او را به بالای مجلس فراخواندند.

معلوم بود که جوان است، صورتش، موی کمی داشت. در آن مجلس، ریش سفیدانی که رئیس قوم و قبیله خود بودند، حضور داشتند و این رفتار امام برایشان سنگین و گران آمد، آنان با خود گفتند: مگر این جوان کیست که امام این گونه او را احترام می کند؟

امام رو به همه کرد و گفت: «این جوان، با دل، زبان و دست خود ما را یاری می کند».(1)

اینجا بود که همه متوجه شدند که این جوان چه مقامی دارد، چه افتخاری بالاتر از این که کسی یاری کننده امام زمان خود باشد! کسی که با قلب، زبان و عمل خود، حجت خدا را یاری می کند، این گونه ارزش پیدا می کند و جایگاهش از همه بالاتر می رود.

وقتی این ماجرا را شنیدم به فکر فرو رفتم، دوست داشتم که من هم به این فکر بودم تا تو را یاری کنم...

\*\*\*

تو از شیعیانت خواسته ای تا برای ظهور تو بسیار دعا کنند، پس اگر من به این خواسته تو عمل کنم تو را یاری کرده ام، من می توانم با زیاد دعا کردن به آنجا برسم که تو به من نگاه ویژه ای داشته باشی، در زمانه ای که مردم برای ثروت بیشتر مسابقه می گذارند من باید به مسابقه ای دیگر فکر کنم! باید در ذهن خودم این گونه فکر کنم: می خواهم امروز بیش از همه شیعیان برای ظهور مولایم دعا کنم! من با دیگران مسابقه بگذارم و امروز بیش از همه به دستور تو عمل کنم، از هر فرصتی استفاده کنم، چه بسا امروز بتوانم هزار بار بگویم: «اللهمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ!»

ص: 48

---

1- . أنه دخل عليه بمنى و هو غلام أول ما اختط عارضاه و في مجلسه شيوخ الشيعة كحمران بن أعين و قيس الماصر و يونس بن يعقوب و أبى جعفر الاحول و غيرهم فرفعه على جماعتهم و ليس فيهم الا من هو أكبر سنا منه، فلما رأى أبو عبد الله عليه السلام أن ذلك الفعل كبر على أصحابه قال: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و يده»: بحار الانوار ج 75 ص 296.

آری، مهم این است که من به گونه ای دیگر فکر کنم، دلم بخواهد نزد تو عزیزتر گردم و بیشتر به دستور تو عمل کنم، وقتی این گونه فکر کنم سبک زندگی من عوض می شود، هر فرصت را غنیمت می شمارم تا تو را از خود بیشتر راضی کنم و در این روزگار غربت تو، غمی از دلت بردارم...

ص: 49





«مُلْتَزَم» نام قسمتی از کعبه است که فضیلت زیادی دارد، همان جایی که وقتی آدم (علیه السلام) در هنگام طواف کعبه به آنجا رسید خدا به او وحی کرد: «ای آدم هر کس از فرزندان تو در این مکان به گناهان خود اعتراف کند و از من بخواهد که گناهان او را ببخشم، من او را می ببخشم».

وقتی طواف کعبه را از مقابل «حجرالاسود» آغاز می کنیم و کعبه را دور می زنم به سوی «رُکن یمانی» می روم، حدود یک متر و نیم قبل از رکن یمانی، «مُلْتَزَم» قرار دارد. دعا در این مکان مستجاب است و در آنجا خدا حاجت های بندگان خود را خیلی سریع می دهد.

وقتی هفت دور گرد کعبه طواف کنم و در دور آخر کنار مُلتَزَم برسم خدا دستور می دهد تا همه درهای بهشت به سوی من باز شوند! آن وقت است که می توانم حاجت های مهمّ خودم را به خدا بگویم زیرا دریای رحمت خدا به سوی تو باز شده است، این نتیجه يك طواف کعبه است. (1)

در اینجا می خواهم حدیثی از امام صادق (علیه السلام) را بازگو کنم، آن حضرت فرمود: «برآورده کردن حاجت مؤمن بهتر از ده طواف است». (2)

وقتی در سخن امام (علیه السلام) دَقّت می کنم به دو نکته می رسم:

الف . در هنگام طواف، درهای بهشت برای طواف کننده باز می شود.

ب . برآورده کردن حاجت مؤمن، ده برابر طواف ارزش دارد.

وقتی این دو نکته را کنار هم می گذارم به این نتیجه می رسم

ص: 52

---

1- . من طاف بهذا البيت طوافاً واحداً، كتب الله عزّ وجلّ له ستّة آلاف حسنة، ومحى عنه ستّة آلاف سيئة، ورفع له ستّة آلاف درجة، حتّى إذا كان عند الملتزم فتح الله له سبعة أبواب من أبواب الجنة...: الكافي ج 2 ص 194، وسائل الشيعة ج 16 ص 364. وقال العلامة المجلسي: «الملتزم المستجار مقابل باب الكعبة، سُمّي به؛ لأنّه يستحبّ التزامه وإصاق البطن به والدعاء عنده، وقيل: المراد به الحجر الأسود، أو ما بينه وبين الباب، أو عتبة الباب، وكأنّه أخذ بعضه من قول صاحب المصباح، حيث قال: التزمته اعتنقته، فهو ملتزم، ومنه يقال لما بين الباب والحجر الأسود: الملتزم؛ لأنّ الناس يعتنقونه، أي يضمّونه إلى صدورهم، انتهى. وهو إمّا فسره بذلك؛ لأنّهم لا يعدّون الوقوف عند المستجار مستحبّاً، وهو من خواصّ الشيعة، وما فسره به هو الحطيم عندنا. وبالجمله، هذه التفاسير نشأت من عدم الأُنس بالأخبار»: بحار الأنوار ج 71 ص 327.

2- . أخبرك بأفضل من ذلك؟ قضاء حاجة المسلم أفضل من طواف وطواف. حتّى بلغ عشرًا: الكافي ج 2 ص 194، وسائل الشيعة ج 16 ص 364.

که هنگام برآوردن حاجت مؤمن، خدا ده بار درهای بهشت را برای من باز می کند، آری، اگر طواف خانه خدا باعث می شود تا درهای مهربانی و رحمت خدا به سوی من گشوده شود، پس حتماً هنگامی که برای رفع مشکل فرد مؤمنی قدمی برمی دارم، مهربانی بیشتری از جانب خدا به سوی من نازل می شود.

اکنون از خود می پرسم: خواسته تراز من چیست؟ مگر تراز ما نخواستی تا برای ظهور تو، زیاد دعا کنیم؟ حاجت تو این است که شیعیان برای ظهورت بسیار دعا کنند، وقتی برآورده کردن حاجت يك مؤمن برابر با ده طواف باشد، پس اگر من برای تو (که مولای مؤمنان هستی) دعا کنم و خواسته تو را عملی کنم چقدر خدا به من ثواب می دهد؟!

ص: 53



نام او عقبه بود، به خانه امام صادق(علیه السلام) آمده بود تا از سخنان آن حضرت بهره ببرد. امام صادق(علیه السلام) به او رو کرد و فرمود:

-- ای عقبه! شیعه ما لحظه جان دادن، با منظره ای روبرو می شود که او را بسیار خوشحال می کند و باعث روشنی چشم او می شود.

-- شیعه شما چه می بیند؟

-- شیعه ما، در لحظه آخر، پیامبر و علی(علیه السلام) را می بیند.

-- آیا پیامبر با شیعه سخنی هم می گویند؟

-- آری، پیامبر می فرماید: «ای دوست خدا! تو را بشارت باد که من رسول خدا هستم. آگاه باش که من برای تو بهتر از همه دنیا هستم.»

-- آیا علی (علیه السلام) هم با او سخنی می گوید؟

-- علی (علیه السلام) به او می گوید: «ای دوست خدا، شاد باش و غم مخور که من همان کسی هستم که همواره مرا دوست می داشتی، من آمده ام تا تورا یاری کنم».

-- این بشارت بزرگی برای شیعیان است!

-- خدا در قرآن از این بشارت سخن گفته است.

-- آقای من! از کدام آیه سخن می گویی؟

-- سوره یونس، آنجا که خدا می گوید: «در دنیا و آخرت برای آنان بشارت است...» (1).

وقتی عقبه این سخن را شنید، اشک در چشمانش حلقه زد، او دیگر به این فکر بود که چه هنگام لحظه مرگ او فرا می رسد تا پیامبر و علی (علیه السلام) را ببیند.

\*\*\*

وقتی این ماجرا را خواندم مقداری فکر کردم و فهمیدم در این روزگار، کسی که برای ظهور دعا می کند شیعه توست، او از فتنه ها نجات پیدا کرده است و به عهد و پیمان خود وفادار مانده است، پس در لحظه جان دادن آن بشارت بزرگ برای او خواهد بود، به راستی که در لحظه جان دادن، هیچ چیز مانند دیدار پیامبر و علی (علیهما السلام) مایه آرامش شیعه نیست...

ص: 56

---

1- . يا عقبه ، لا يقبل الله من العباد يوم القيامة إلا هذا الذي أنتم عليه... المحاسن ج 171، بحار الأنوار ج 6 ص 18، الكافي ج 3 ص 129، تفسير العياشي ج 2 ص 12.

آیا زندگی، همان زنده بودن است؟ آیا خوردن و آشامیدن و بهره بردن از لذت‌های حیوانی، معنای زندگانی است؟ زنده بودن، يك حرکت افقی است، از گهواره تا گور، اما زندگی يك حرکت عمودی است، از زمین تا اوج آسمان‌ها! خدا مرا آفرید و در من حس کمال‌گرایی را قرار داد، زنده بودن هیچ‌گاه، مرا سیر نمی‌کند.

اگر در جستجوی زندگی هستم باید به آیه 24 سوره «انفال» توجه کنم، آنجا که خدا چنین می‌گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، وقتی من و پیامبر شما را به سوی چیزی فرا می‌خوانیم که به شما زندگی می‌بخشد، ما را اجابت کنید». خدا در این آیه همه را به سوی زندگی فرا می‌خواند.

ص: 57



اهل شام بود و در دمشق زندگی می کرد، اسم او «ابو زبیب» بود، او بارها این آیه را خوانده بود و درباره آن فکر کرده بود. او می خواست بداند منظور خدا از این سخن چیست؟ خدا و پیامبر، مردم را به چه چیزی دعوت کرده اند؟ آن چیزی که باعث زندگی حقیقی می شود چیست؟

از چند نفر سؤال خود را پرسید، آنان به او گفتند که منظور آیه این است که خدا و پیامبر مردم را به «ایمان» فرا می خوانند، هر کس که ایمان بیاورد، زندگی واقعی را درك کرده است.

ابو زبیب وقتی این سخن را شنید، آن را نپذیرفت، حق هم با او بود، زیرا در ابتدای آیه، خدا می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید»، خدا از کسانی که ایمان آورده اند، می خواهد که دعوت او و پیامبرش را اجابت کنند، پس چیزی که خدا مؤمنان را به سوی آن فرا می خواند، چیزی غیر از ایمان است.

او باید صبر می کرد تا زمان حج فرا برسد و از شام به مکه و سپس به مدینه برود، باید به دیدار امام صادق (علیه السلام) برود و سؤال خود را از ایشان پرسد، او می دانست که اهل بیت (علیهم السلام) بهترین مفسران قرآن هستند.

وقتی او به مدینه رسید، خدمت امام صادق (علیه السلام) رفت، سلام کرد و این آیه را برای آن حضرت خواند و تفسیر آن را جویا شد. امام به او فرمود: «این آیه، درباره ولایت نازل شده است» (1).

ص: 58

---

1- . سالت ابا بعدالله عن قول الله عز و جل: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ قال: نزلت في ولاية علي (ع): الكافي ج 8 ص 348.

جواب امام صادق(علیه السلام) کوتاه بود و پر معنا. او خدا را شکر گفت که معنای واقعی این آیه را فهمید، خدا و پیامبر او مردم را به ولایت دعوت می کنند، ولایت به آنان زندگی می بخشد.

\*\*\*

امروز تو امام زمان من هستی، «کسی که امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت می میرد»، ایمان واقعی در گرو اعتقاد به توست، تو سرانجام می آیی و زمین را پر از عدل و داد می کنی، وقتی من برای تو دعا می کنم این دعوت خدا و پیامبر را اجابت کرده ام، با دعا برای ظهور با تو تجدید پیمان کرده ام و راه صحیح را پیموده ام، به برکت دعای ظهور است که به «زندگی واقعی» دست پیدا می کنم. این وعده خداست، خدا و پیامبر مرا به سوی این زندگی دعوت کرده اند، کسی که برای آمدن تو دعا می کند این دعوت را اجابت کرده است و برای همین است که او در پیچ و خم زندگی، راه را گم نمی کند.

ص: 59



خیلی از ما به زیارت حرم «عبدالعظیم حسنی» در «شهر ری» رفته ایم، او امامزاده ای با عظمت است و شیعیان به او علاقه زیادی دارند، وقتی کسی نمی تواند به کربلا برود اگر به حرم او برود خدا به او ثواب زیارت کربلا می دهد.

او حدیث مهمی را روایت کرده است، من می خواهم آن حدیث را در اینجا بازگو کنم، او آن حدیث را از امام جواد (علیه السلام) از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است، آری، حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «زمانی می آید که مهدی ما از دیده ها پنهان می شود و روزگار غیبت به درازا می کشد، گویا من شیعیان خود را می بینم که در آن روزگار به دنبال پناهگاهی می گردند

اما پناهی نمی یابند. هر کس در آن روزگار بر دین خود ثابت بماند و در دلش به خاطر طولانی شدن غیبت امامش، شك و تردید نیاید در روز قیامت با من در درجه و مقام من خواهد بود»<sup>(1)</sup>.

آری، درست است که در روزگار غیبت، سختی ها پشت سر هم می آیند و فتنه ها هجوم می آورند و سپاه شیطان جلوه نمایی می کند، ولی کسی که در اعتقادش ثابت بماند و شك به دل خود راه ندهد و بر عهد ولایت پایدار بماند در روز قیامت در بالاترین نقطه بهشت، همسایه حضرت علی (علیه السلام) خواهد بود. شاید عده ای از این جمله من تعجب کنند، من چاره ای ندارم جز این که عبارت عربی حدیث را در اینجا نقل کنم: «فَهُوَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: «او در روز قیامت با من و در درجه من خواهد بود».

چقدر خوب بود که ما این جمله عربی را حفظ می کردیم و هر گاه که شیطان می خواست ما را ناامید کند، این جمله را بازگو می کردیم که از دسیسه های او نجات پیدا کنیم، شیعه در روزگار غیبت این قدر مقام و ارزش پیدا می کند، وقتی که

ص: 62

---

1- . حدثنا محمد بن أحمد الشيباني رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن جعفر الكوفي قال حدثنا سهل بن زياد الأدمي قال حدثنا عبد العظيم بن عبد الله الحسيني رضي الله عنه عن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ع عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين ع قال للقائم منا غيبة أمدها طويل كأني بالشيعة يجولون جولان النعم في غيبته يطلبون المرعى فلا يجدونه ألا فمن ثبت منهم على دينه و لم يقس قلبه لطول أمد غيبة إمامه فهو معي في درجتي يوم القيامة ثم قال ع إن القائم منا إذا قام لم يكن لأحد في عنقه بيعة فلذلك تخفى ولادته و يغيب شخصه حدثنا علي بن أحمد بن موسى رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن جعفر الكوفي عن عبد الله بن موسى الروياني عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن محمد بن علي الرضا عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين ع بهذا الحديث مثله سواء: كمال الدين ج 1 ص 303، بحار الانوار ج 51 ص 108.

سیاهی ها همه جا را فرا می گیرد، آن شیعه ای که با دعای ظهور به عهد خود وفادار می ماند چنین مقامی پیدا می کند.

مولای من! دعا برای ظهور تو، نشانه پایداری و ثبات در دین و ایمان است، اگر کسی شك و تردید داشته باشد که دعا نمی کند، پس هر کس که با اخلاص برای ظهور تو دعا می کند، در بهشت همسایه حضرت علی (علیه السلام) خواهد بود، خوشا به حال چنین کسی که این قدر ارزش و مقام دارد! شاید مردم به او توجهی نکنند، چه بسا او را خوار و ذلیل بیندارند، اما زندگی دنیا چند روز بیشتر نیست، مهم این است که حضرت علی (علیه السلام) قدر و جایگاه او را می شناسد و این گونه او را در بهشت در کنار خود جای می دهد.

ص: 63



يك روز پیامبر به مردم رو کرد و چنین فرمود: «خوشا به حال کسی که مهدی (علیه السلام) را درك کند، کسی که قبل از قیام مهدی (علیه السلام) از او پیروی کند و به او ایمان داشته باشد و به یازده امام قبل از او هم باور داشته باشد و از دشمنان آنان بیزار باشد، پس او از دوستان من و گرامی تر فرد در نزد من خواهد بود» (1).

این حدیث هم جلوه امید در دل انسان می شود، تأکید می کنم: روزگار غیبت، روزگار سختی ها است اما در این روزگار انسان می تواند به آنجا برسد که از مردم همه زمان ها نزد پیامبر عزیزتر باشد، مگر ما باور نداریم که پیامبر (به اذن خدا) زنده است،

ص: 65

---

1- . عن سدير عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتي و هو مقتد به قبل قيامه يأتهم به و بأئمة الهدى من قبله و يبرأ إلى الله عز و جل من عدوهم أولئك رفقائي و أكرم أمتي علي: كمال الدين ج 1 ص 287.



او می بیند و می شنود، او در حق دوستانش دعا می کند، اگر پیامبر زنده است پس همین الان مؤمنانی که به عهد خود پایدار مانده اند نزد پیامبر از همه کس عزیزتر هستند، پیامبر آنان را بیش از همه دوست دارد و در حق آنان دعا می کند.

پیامبر در این حدیث، چنین فرموده است: «هر کس قبل از قیام مهدی از او پیروی کند و به او ایمان داشته باشد»، اکنون به این جمله حدیث فکر می کنم، روشن است که هر کس الان که عصر غیبت است برای ظهور دعا کند به این حدیث عمل کرده است، پیامبر از ما می خواهد تا در این روزگار بر عهد خود پایبند باشیم، دعای ظهور همان وفاداری به عهد و پیمان ولایت است، کسی که برای ظهور تو دعا می کند از تو پیروی می کند زیرا تو از همه خواسته ای تا برای ظهور تو بسیار دعا کنند، کسی که برای تو دعا می کند در واقع از دستور تو پیروی کرده است و به آن مقام می رسد که پیامبر او را بیش از همه دوست می دارد و در روز قیامت او از دوستان پیامبر خواهد بود.

جابر یکی از یاران امام باقر(علیه السلام) بود، يك روز امام به او چنین فرمود: «زمانی فرا می رسد که مهدی(علیه السلام) از دیده ها پنهان می شود، خوشا به حال کسانی که در آن روزگار بر ولایت او پایدار بمانند، آنان چنان مقام پیدا می کنند که خدا با آنان این گونه سخن می گوید: ای بندگان من! شما به مهدی ایمان آوردید، پس شما را به ثواب فراوان بشارت می دهم. ای بندگان من! به خاطر شما باران را بر زمین نازل می کنم و بلاها را از اهل زمین برطرف می نمایم، اگر شما نبودید، عذاب خود را بر مردم این روزگار نازل می کردم». جابر سؤال کرد: «بهترین کاری که مؤمن در آن روزگار انجام می دهد چیست؟»، امام فرمود:

«مؤمن باید زبان خود را حفظ کند تا رازی را آشکار نسازد و همواره در خانه اش باشد تا به فتنه مبتلا نشود».(1)

این حدیث مقام کسی را بازگو می کند که در روزگار غیبت به عهد و پیمانی که با تو بسته است پایدار بماند، او به آنجا می رسد که خدا با او این گونه سخن می گوید، بارانی که از آسمان نازل می شود کنایه از رحمت خداست، هر رحمتی که از طرف خدا برای مردم می رسد به بهانه وجود آن مؤمنان است، بلاها به خاطر وجود آنان برطرف می شود، این مقامی بس بزرگ است.

کسی که برای ظهور تو دعا می کند و ظهور تو را از خدا طلب می کند، همان کسی است که بر ولایت تو پایدار مانده است، او با دعای ظهور ثابت می کند که بر عهد دیرین خود وفادار مانده است، او همان کسی که خدا با او این گونه سخن می گوید. آری، دعا برای ظهور تو انسان را به این جایگاه و مقام بلند می رساند...

ص: 68

---

1- . جابر عن أبي جعفر الباقر ع أنه قال يأتي على الناس زمان يغيب عنهم إمامهم فيا طوبى للثابتين على أمرنا في ذلك الزمان إن أدنى ما يكون لهم من الثواب أن يناديهم البارئ جل جلاله فيقول عبادي وإمائي آمنتم بسري و صدقتم بغيبى فأبشروا بحسن الثواب مني فأنتم عبادي وإمائي حقا منكم أتقبل و عنكم أعفو و لكم أغفر و بكم أسقي عبادي الغيث و أدفع عنهم البلاء و لولاكم لأنزلت عليهم عذابي قال جابر فقلت يا ابن رسول الله فما أفضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان قال حفظ اللسان و لزوم البيت: كمال الدين ج 1 ص 330، بحار الانوار ج 52 ص 145.

يك روز حضرت علي (عليه السلام) به ياران خود چنين فرمود: «روز قيامت كه فرا برسد من کنار پل صراط مي ايستم و چنين دعا مي كنم: خدایا! شيعيان و دوستان مرا كه در دنيا از من پيروي كردند به سلامت بدار تا بتوانند از پل صراط عبور كنند! پس خدا در پاسخ به من چنين مي گوید: يا علي! دعای تو را مستجاب كردم! آن وقت است كه هر کدام از شيعيان كه از من پيروي كردند و مرا ياری كردند و با دشمنانم، دشمني کرده اند از هفتاد هزار نفر شفاعت مي كند!».

این وعده ای است كه خدا به حضرت علي (عليه السلام) داده است، هر شيعه ای كه از علي (عليه السلام) پيروي كند و او را ياری كند و با دشمنان حق، دشمني كند در روز قيامت مي تواند هفتاد هزار نفر را شفاعت كند، اين مقامی بس بزرگ است.

اکنون که این حدیث را خواندم به فکر فرو می روم: در این روزگار غیبت، پیروی از علی (علیه السلام) چیست؟ چگونه می توان علی (علیه السلام) را یاری کرد؟ روشن و واضح است که این پیام علی (علیه السلام) است: «از مهدی من پیروی کنید و او را یاری کنید».

مولای من! کسی که برای ظهور دعا می کند، تو را یاری کرده است و از تو پیروی کرده است، پیروی از تو همان پیروی از علی (علیه السلام) است، یاری کردن تو همان یاری کردن علی (علیه السلام) است، زیرا ولایت تو، همان ولایت علی (علیه السلام) است. از آنچه گفتم روشن می شود که اگر کسی با اخلاص برای ظهور تو، دعا کند، در روز قیامت می تواند در حق هفتاد هزار نفر شفاعت کند تا همه آنان از پل صراط به سلامت عبور کنند و این مقامی بس بزرگ است. آری، روز قیامت روز آقایی کسی است که برای ظهور دعا می کند، هر چند که مردم این روزگار قدر او را ندانند و او را خوار و ذلیل بشمارند، کسی که برای ظهور دعا می کند صبر پیشه می کند تا در روز قیامت خدا، مقام و ارزش او را برای همه آشکار و هویدا سازد... (1)

ص: 70

---

1- . عن أبي عبد الله عن جده عن علي ع قال إن للجنة ثمانية أبواب باب يدخل منه النبيون والصديقون و باب يدخل منه الشهداء و الصالحون و خمسة أبواب يدخل منها شيعتنا و محبوبنا فلا أزال واقفا على الصراط أدعو و أقول رب سلم شيعتي و محبي و أنصاري و من تولاني في دار الدنيا فإذا النداء من بطنان العرش قد أجيب دعوتك و شفعت في شيعتك و يشفع كل رجل من شيعتي و من تولاني و نصرني و حارب من حاربي بفعل أو قول في سبعين ألف من جيرانه و أقربائه و باب يدخل منه سائر المسلمين ممن شهد أن لا إله إلا الله و لم يكن في قلبه مقدار ذرة من بغضنا أهل البيت: الخصال ج : 2 ص : 408.

در اینجا می‌خواهم حدیث دیگری از پیامبر نقل کنم، آن حضرت فرمود: «اگر شخصی ببیند برادر مسلمانش غم و غصه ای دارد پس با جمله ای غم و غصه او را برطرف کند پس آن شخص در سایه رحمت خدا خواهد بود و تا زمانی که در حال گفتگو با آن مسلمان است رحمت خدا بر او فرود می‌آید» (1).

آری، وقتی من می‌بینم کسی گرفتار غم و اندوهی شده است پس اگر در حضور او دست به دعا بردارم و در حق او دعا کنم، دل آن مؤمن شاد می‌شود، پس خدا مرا در سایه رحمت خود قرار می‌دهد و تا زمانی که دعا می‌کنم رحمت خدا بر من نازل می‌شود.

ص: 71

---

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يُطْفِئُ بِهَا وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ: الكافي ج 2 ص 206، بحار الانوار ج 71 ص 299.

این روزگار، روزگار غربت و مظلومیت توست، تو همان آقای هستی که مردم تو را از یاد برده اند! من فدای تو بشوم که آواره بیابان ها هستی و از همه جا طرد شده ای! من فدای شما بشوم تنها و غریب مانده ای! دشمنان برای تو نقشه ها می کشند، اگر به تو دسترسی پیدا کنند می خواهند تو را قطعه قطعه کنند.

اکنون که معلوم شد تو در غم و غصه ای و گرفتار سختی ها هستی و در زندان غیبت گرفتار شده ای، اگر برای تو دعا کنم و از خدا بخواهم ظهور تو را برساند و تو را از این سختی ها نجات بدهد، پس حتماً دل تو شاد می شود، زیرا تو صدای مرا می شنوی و از دعای من باخبری. وقتی پیامبر وعده داد که اگر دل برادر مؤمن خود را با جمله ای شاد کنم، در سایه رحمت خدا قرار می گیرم، پس اگر با دعایی دل تو را (که آقای مؤمنان هستی) شاد کنم حتماً رحمت خاص خدا بر من نازل می شود، آری، تا زمانی که زبانم به دعا برای تو گویاست، آن رحمت خدا بر من نازل می شود و من در سایه رحمت خدا هستم...

ص: 72

وقتی مرگ يك مسلمان فرا می رسد پیکر او را غسل داده، او را کفن می کنند و به خاک می سپارند، آن لحظه، لحظه سختی است، ترس و وحشت، تنهایی و پریشانی سراغ او می آید، ناگهان در سمت راست قبر دری از نور گشوده می شود، جوان زیبارویی سلام می کند، با این سلام، همه غم و غصّه ها از یاد می رود، آن جوان زیبا می گوید: «یادت هست در دنیا، برادران مؤمن خود را شاد نمودی! من همان شادمانی ای هستم که در دل آن مؤمنان، ایجاد کردی! من آمده ام تا در این لحظه تنهایی و غربت مونس تو باشم. روز قیامت هم که سر از قبر برداری همه جا همراه تو خواهیم بود و تو را یاری خواهیم کرد تا آنجا که از پل صراط بگذری و وارد بهشت شوی» (1).

ص: 73

---

1 - . الإمام الصادق (ع)، عن أبيه، عن جدّه (ع)، رفعه قال: «ما من مؤمن أدخل على قوم سروراً إلا خلق الله من ذلك السرور ملكاً يعبد الله تعالى ويمجّده ويوحّده، فإذا صار المؤمن في لحده أتاه السرور الذي أدخله عليه، فيقول: أما تعرفني؟ فيقول: ومن أنت؟ فيقول: أنا السرور الذي أدخلتني على فلان، أنا اليوم أونس وحشتك، وألقنك حجّتك، وأثبتك بالقول الثابت، وأشهد بك مشاهد القيامة، وأشفع لك إلى ربّك، وأريك منزلتك من الجنّة»: كشف الغمّة ج 2 ص 376، مستدرک الوسائل ج 12 ص 399، بحار الأنوار ج 71 ص 314.



آنچه در اینجا ذکر کردم برگرفته از حدیث امام صادق (علیه السلام) است. آری، اگر من دل مؤمنی را شاد کنم، در هنگامی که مرا در قبر می گذارند، آن شادمانی به صورت جوان زیبارویی آشکار می شود تا دل مرا شاد کند.

اکنون چنین می گویم: اگر شاد کردن دل يك مؤمن این قدر اثر دارد و باعث می شود تا در قبر و قیامت من مونسى مهربان داشته باشم، پس شاد کردن دل تو (که مولای مؤمنان) هستی، چه اثری دارد؟ وقتی من برای تو دعا می کنم و ظهور تو را از خدا طلب می کنم، دل تو را شاد می کنم، این شادمانی دل تو همان مونسى خواهد بود که در لحظه های تنهایی من مرا یاری خواهد کرد.

ص: 74

بر هر مسلمان واجب است يك بار در عمر خود به سفر حجّ برود و اعمال حجّ را به جا آورد، او باید مدّتی از کار و زندگی خود جدا شود و به مکه سفر کند و همه اعمال حجّ را با دقت انجام بدهد، اکنون می خواهم حدیثی را بازگو کنم، این حدیث می گوید اگر (با اخلاص) من دل مؤمنی را شاد کنم و برای رفع گرفتاری مؤمنی قدم بردارم، خدا به اندازه هزار حجّی که قبول شده است به من پاداش می دهد، یعنی خدا به من به اندازه هزار حاجی، رحمت خود را نازل می کند، من در شهر خود بوده ام اما نزد خدا برتر از هزار حاجی هستم!

امام صادق(علیه السلام) چنین فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن، بهتر از هزار حجّ قبول شده است».(1)

وقت آن است که سؤال خود را بپرسم: اگر برآورده کردن حاجت مؤمن از هزار حج بالاتر است، پس وقتی من برای ظهور تو دعا می کنم، خدا چقدر برای من ثواب می نویسد؟ تو مولای مؤمنان هستی و خواسته تو این است که ما برای ظهورت دعا کنیم، وقتی که دست به دعا برمی داریم و برای تو دعا می کنیم، دل تو شاد می شود و خدا ثوابی بیش از هزار حجّ به ما می دهد.

روشن و واضح است که شیعه ای که اهل معرفت است خیلی به دنبال ثواب نیست، او وظیفه خود می داند برای تو دعا کند، اگر به او ثواب هم ندهند او باز برای تو که مولای او هستی دعا می کند، اما اصل سخن در این است که در اینجا ارزش دعا کردن در حقّ تو آشکار می شود، ارزش دعا برای تو بیش از هزار حجّ است، کسانی که در جستجوی کمال و معنویت هستند باید این نکته را قدر بدانند، دعا برای ظهور تو، عصاره ای از همه خوبی ها است...

ص: 76

---

1- . الإمام الصادق(ع): «قضاء حاجة المؤمن أفضل من ألف حجّة متقبّلة بمناسكها، وعتق ألف رقبة لوجه الله، وحملا ن ألف فرس في سبيل الله بسرجهما ولجمها»: الأملی للصدوق ص 308، وسائل الشیعة ج 16 ص 364، بحار الأنوار ج 71 ص 285.

عده ای از شیعیان در خانه امام صادق (علیه السلام) بودند و از حضور آن حضرت بهره معنوی می بردند، مدتی گذشت، یکی از شیعیان وارد شد و خدمت امام صادق (علیه السلام) سلام کرد.

امام با گرمی جواب دادند و او را کنار خود نشانند. از ظاهر او معلوم بود که از راه دوری آمده است. آری، او سُدیر بود که از کوفه به مدینه آمده بود. بعد از لحظاتی امام به او رو کرد و فرمود: «ای سُدیر! شما باید شکرگزار خدایی باشید که به شما نعمت ارزانی داشته است، اگر شکر او را به جا آورید او نعمت خود را برای شما زیاد خواهد نمود».<sup>(1)</sup>

ص: 77

---

1- . عن فضل البقباق قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل: (وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)؟ قال: الذي أنعم عليك بما فضلك وأعطاك وأحسن إليك، ثم قال: فحدِّث بدينه وما أعطاه الله، وما أنعم به عليه: الكافي ج 2 ص 94، بحار الأنوار ج 78 ص 28، نور الثقلين ج 5 ص 601.

آری، امام صادق(علیه السلام) این گونه شیعینش را به اهمیت شکرگزاری راهنمایی کرد و از آنان خواست که هرگز شکرگزاری را فراموش نکنند، اکنون من لحظه ای فکر می کنم: در این روزگار غیبت، دل من با نور ولایت تو روشن شده است، من به برکت اعتقاد به توازن بست ها و ناامیدی ها نجات پیدا کرده ام و به ساحل آرامش رسیده ام، آیا نباید شکرگزار این نعمت بزرگ باشم؟ یکی از بهترین راه های شکر این نعمت این است که برای ظهور تو دعا کنم، زیرا توازن ما چنین خواسته ای، پس باید در هر فرصت ممکن دست به دعا بردارم و ظهور تو را از خدا بخواهم که اگر این کار را انجام بدهم، شکر نعمت به جا آورده ام و خدا وعده فرموده است که اگر شکر او را به جا آورم نعمتش را بر من زیادتر خواهد کرد.

آری، دعا برای ظهور تو باعث می شود که ایمان و باور من زیاد و زیادتر شود، این وعده خداست، دل من از نور تو بهره بیشتری می گیرد و آن وقت است که من با ثبات قدم به سوی رستگاری گام برمی دارم، ان شاء الله.

چقدر خوب است که شیعیان دور هم جمع شوند و برای ظهور دعا کنند. (فرقی نمی کند چه وقتی از شبانه روز این اتفاق بیفتد، صبح باشد یا شب، در خانه باشد یا در مسجد و حسینیه یا در جای دیگر).

چگونه مجلس روضه امام حسین (علیه السلام) تبدیل به يك فرهنگ عمومی شده است، به امید آن روز که «مجلس دعای ظهور» نیز این چنین شود، من در کتاب «وقت رهایی» به اهمیت و شرح مجلس دعای ظهور پرداخته ام، مطالعه آن کتاب می تواند زوایای این موضوع را بیشتر روشن کند، شاید کسی سؤال کند: در مجلس دعای ظهور چه بگوییم؟ پس در آن کتاب، دو نمونه از مجلس دعای ظهور را بازگو کرده ام، از فرصت استفاده می کنم و مجلس مختصری را که در آنجا ذکر کرده ام اینجا می نویسم، برای این کار وضو می گیریم و روبه قبله می نشینی و چنین می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَالْعَنْ وَأَهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ.

خدایا! بر محمد و بر آل محمد درود بفرست و ظهور مهدی را نزدیک کن و دشمنان آنان را لعنت کن و آن دشمنان را نابود کن!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ!

مولای من! سلام بر تو زمانی که به امر خدا قیام می کنی، سلام بر تو زمانی که نماز می خوانی و با خدای خویش سخن می گویی. سلام بر تو هنگامی که شعار توحید بر زبان جاری می کنی و خدا را به بزرگی یاد می کنی.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا.

بارخدایا! ما به تواز فقدان پیامبر خود و غیبت امام خود شکوه می کنیم، ما از زیادی دشمنان و شدت گرفتن فتنه ها و سختی های روزگار به تو شکوه می کنیم پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و ظهور مولای ما را برسان...

وَازْحَمْ إِسْتِكَائَتِنَا بَعْدَهُ وَفَأْمُنْ عَلَيْنَا بِظُهُورِهِ

خدایا! به بیچارگی ما رحم کن و بر ما منت بگذار و ظهورش را برسان! خدایا! آقای ما غریب و تنهاست، او آواره و بیابان نشین است، کسی را ندارد و از همه جا رانده شده است.

المَهْدِيُّ الشَّرِيدُ! المَهْدِيُّ الطَّرِيدُ! المَهْدِيُّ الْفَرِيدُ! المَهْدِيُّ الْوَحِيدُ. من فدای آن آقای آواره ای که از همه جا طرد شده است بشوم! من فدای آن آقای تنها و غریب بشوم! خدایا! دل مولای من پر از غم و اندوه است، پس دل او را به مژده ظهورش، خوشحال بگردان. خدایا! ما چاره ای جز دعا کردن نداریم، پس تو را می خوانیم و از تو ظهور مولای خود را طلب می کنیم.

پس می توانیم 15 بار چنین بگوییم: «اللهم عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ».

اکنون به سجده می رویم و چنین می گوییم:

خدایا! به حق پیامبر تو را سوگند می دهیم بر دشمنان غضب کن! خدایا! به صورت نیلی شده فاطمه، به پهلوی شکسته اش، به چشم اشکبارش، به مظلومیتش، از تو می خواهیم که بر دشمنان غضب کنی! اِغْضَبْ يَا الله!

خدایا! به پیشانی شکافته علی، به غم و غصه های او به تنهایی و غربتش، به مظلومیتش، خدایا! به مظلومیت حسن و غربت او تو را سوگند می دهیم بر دشمنان غضب کن!

خدایا! تو را به حسین و غربتش سوگند می دهیم، به آن صورتی که خاك آلود شد و به خون آغشته شد، به آن قلبی که آماج تیرها شد، به لب هایی که از تشنگی ترك برداشته بود، به سینه ای که پایمال سم اسب ها شد... بر دشمنان غضب کن! اِغْضَبْ يَا الله!

پس 15 بار این دعا را (در حالت سجده) زمزمه می کنیم: «اللهم عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ». (1)

ص: 81

---

1- . در این مجلس، دعا برای ظهور را 30 بار ذکر کردم، دلیل این که عدد 30 مصداق «ذکر کثیر» است این حدیث می باشد: عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا مَاذَا الذُّكْرُ الْكَثِيرُ قَالَ أَنْ يُسَبِّحَ فِي دُبْرِ الْمَكْتُوبَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً: (تهذیب الأحكام ج 2 ص 108) وقتی ثابت شد که «ذکر کثیر» یا «ذکر زیاد» عدد 30 است، پس استفاده می کنیم که «دعای کثیر» هم همان سی بار می تواند باشد.



اکنون سر از سجده بر می داریم و چنین می گوییم:

خدایا! من در حق مولای خود کوتاهی کردم، من خطاکارم که در غفلتی هزار ساله گرفتار آمدم، اکنون پشیمان هستم و به خطای خود اعتراف می کنم و چنین می گویم: «سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، «خدایا! تو از هر عیب به دور هستی، این من هستم که ظلم کردم و ستم نمودم...».

اَغْنِنَا يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ: ای فریادرس! به فریاد ما برس!

خدایا! همیشه عادت تو بر این بوده است که بر گنهکاران نیکویی کنی و با مهربانی با آنان برخورد کنی. اینک ما به درگاه تورو کرده ایم پس صدای ما را بشنو و دعای ما را مستجاب کن و ما را ناامید نکن! «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِيَوْمِكَ الْفَرَجَ».

ص: 82

- 1 . الخصال ، أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق ( ت 381 هـ ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : منشورات جماعة المدرّسين في الحوزة العلمية ، الطبعة الاولى ، 1403 هـ .
- 2 . الغيبة ، أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي ( ت 460 هـ ) ، تحقيق : عبّاد الله الطهراني ، وعلي أحمد ناصح ، قم : مؤسّسة المعارف الإسلامية ، الطبعة الأولى ، 1411 هـ .
- 3 . الكافي ، أبو جعفر ثقة الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي ( ت 329 هـ ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، طهران : دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الثانية ، 1389 هـ .
- 4 . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار : ، محمّد بن محمّد تقي المجلسي ( ت 1110 هـ ) ، طهران : دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الأولى ، 1386 هـ .
- 5 . بصائر الدرجات ، أبو جعفر محمّد بن الحسن الصفّار القمّي المعروف بابن فروخ ( ت 290 هـ ) ، قم : مكتبة آية الله المرعشي ، الطبعة الأولى ، 1404 هـ .

- 6 . تهذيب الأحكام في شرح المقنعة ، محمّد بن الحسن الطوسي ( ت 460 هـ ) ، تحقيق : السيّد حسن الموسوي ، طهران : دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الثالثة ، 1364 ش .
- 7 . كشف الغمّة في معرفة الأئمّة : ، علي بن عيس الإربلي ( ت 693 هـ ) ، بيروت : دار الأضواء ، الطبعة الثانية ، 1405 هـ .
- 8 . كمال الدين وتمام النعمة ، أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق ( ت 381 هـ ) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، قمّ : مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين ، الطبعة الأولى ، 1405 هـ .
- 9 . مختصر بصائر الدرجات ، حسن بن سليمان الحلّي ( ق 9 هـ ) ، قمّ : انتشارات بالأوفست عن طبعة منشورات المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف ، 1370 ش .
- 10 . مدينة معاجز الأئمّة الاثني عشر: ودلائل الحجج على البشر ، هاشم بن سليمان الحسيني البحراني ( ت 1107 هـ ) ، تحقيق : عزّة الله المولائي الهمداني ، قمّ : مؤسّسة المعارف الإسلامية ، الطبعة الأولى ، 1413 هـ . 11 . مستدرك الوسائل ومستنبط المسائل ، الميرزا حسين النوري ( ت 1320 هـ ) ، تحقيق : مؤسّسة آل البيت : ، قمّ : مؤسّسة آل البيت : ، الطبعة الأولى ، 1408 .
- 12 . معاني الأخبار ، أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق ( ت 381 هـ ) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، 1379 هـ ، قمّ : مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين ، الطبعة الأولى 1361 هـ .
- 13 . وسائل الشيعة ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملي ( ت 1104 هـ ) ، تحقيق : مؤسّسة آل البيت : ، قمّ : مؤسّسة آل البيت : لإحياء التراث ، الطبعة الثانية ، 1414 هـ .
- 14 . مكارم الأخلاق ، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي ( ت 548 هـ ) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قمّ : مؤسّسة النشر الإسلامي ، الطبعة الأولى ، 1414 هـ .

- 15 . تفسير نور الثقلين ، عبد عليّ بن جمعة العروسي الحويزي (ت 1112 هـ) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي ، قم : مؤسّسة إسماعيليان ، الطبعة الرابعة، 1412 هـ .
- 16 . الأمالي، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت 460 هـ) ، تحقيق : مؤسّسة البعثة ، قم : دار الثقافة ، الطبعة الأولى ، 1414 هـ .
- 17 . الأمالي ، محمّد بن علي بن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (ت 381 هـ) ، تحقيق : مؤسّسة البعثة ، قم : مؤسّسة البعثة ، الطبعة الأولى ، 1417 هـ .
- 18 . أمالي المفيد ، أبو عبد الله محمّد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 هـ) ، تحقيق : حسين أستاذ ولي وعلي أكبر الغفّاري ، قم : مؤسّسة النشر
- 19 . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار ، محمّد بن محمّد تقي المجلسي (ت 1110 هـ) ، طهران : دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الأولى ، 1386 هـ .
- 20 . تفسير العيّاشي، أبو النضر محمّد بن مسعود السلمي السمرقندي المعروف بالعيّاشي (ت 320 هـ) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي ، طهران : المكتبة العلميّة ، الطبعة الأولى ، 1380 هـ .
- 21 . معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) ، تحقيق : الهيئة العلميّة في مؤسّسة المعارف الإسلاميّة ، قم : الهيئة العلميّة في مؤسّسة المعارف الإسلاميّة ، الطبعة الأولى ، 1411 هـ .
- 22 . مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم، ميرزا محمّد الموسوي الإصفهاني، تحقيق: السيّد علي عاشور، بيروت: مؤسّسة الأعلمي للمطبوعات، الطبعة الأولى، 1421 هـ .
- 23 . مناقب آل أبي طالب (مناقب ابن شهر آشوب) ، أبو جعفر رشيد الدين محمّد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت 588 هـ) ، قم : المطبعة العلميّة .



1. کتاب (مکیال المکارم) اثر کیست؟ موضوع آن چیست؟

الف) آیت الله موسوی اصفهانی وظایف مومنان

ب) آیت الله مصلاهی یزدی فواید دعا برای ظهور

ج) آیت الله مصلاهی یزدی وظایف مومنان

د) آیت الله موسوی اصفهانی فواید دعا برای ظهور

2. منظور از (زیاد دعا کردن برای ظهور) چیست؟

الف) دعا کردن بعد از نماز

ب) صد بار دعا کردن در روز

ج) هر روز صبح دعا کردن

د) دعا در روزهای خاص

3. ماجرای عبدالرحمن اصفهانی به چه مطلب مهمی اشاره دارد؟

الف) اگر کسی برای امام زمان (علیه السلام) دعا کند عاقبت به خیر می شود.

ب) اگر کسی برای امام زمان دعا (علیه السلام) کند عاقبت به خیر شده و زندگی او برکت می گیرد

ج) اگر کسی برای امام زمان (علیه السلام) دعا کند عاقبت به خیر شده زندگی او برکت گرفته و دعای او مستجاب می شود.

د) گزینه الف و ب صحیح است.

4. این حدیث از کدامیک از معصومین (علیهم السلام) روایت شده است؟

کسانی از فتنه های آخر الزمان نجات پیدا می کنند که به اعتقاد «به امامت حضرت مهدی (علیه السلام) ثابت بمانند و خداوند توفیق دهد». که برای ظهور دعا کنند

الف) حضرت امام رضا (علیه السلام)

ب) حضرت امام جواد (علیه السلام)

ج) حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)

د) حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)

5. این حدیث در کدام یک از کتب شیعه نقل شده است

«وقتی شخصی برای مومنی دعا کند خداوند روزی آن شخص را زیاد می کند و بلاها را از او دور می گرداند»

الف) بحار الانوار علامه مجلسی

ب) کتاب کافی شیخ کلینی

ج) امالی شیخ طوسی

د) امالی شیخ صدوق

6. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز قیامت از چه کسانی شفاعت خواهد کرد؟

الف) از کسی که خاندان پیامبر را یاری کند

ب) کسی که حاجات خاندان پیامبر را برآورده کند

ج) کسی که با قلب و زبانش خاندان پیامبر را یاری کرده و سختی را از آنان دور کند

د) هر سه مورد

7. شرکت در مجلسی که با یاد اهل بیت (علیهم السلام) همراه است باعث می شود ..... .

الف) انسان افسردگی نگیرد

ب) انسان دچار دلمردگی نشود

ج) شیطان نمی تواند باورهای انسان را به یغما ببرد

د) هر سه مورد

8. تفسیر آیه {الست بربکم قالوا بلی ...} کدام است؟

الف) معرفی جانشینان خداوند و امر به طاعت از آنها

ب) شناخت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اعتراف به مقام ایشان

ج) عهد و پیمان بستن با خداوند در مورد ائمه و نشکستن آن پیمان

د) همه موارد

9. امام جعفر صادق (علیه السلام) علت احترام به (هشام بن حکم) را چه فرمودند؟

الف) این جوان با دست و دل و زبان خود ما را یاری می کند.

ب) این جوان اعمال حج را کامل انجام داده است.

ج) این جوان به پدر و مادر خود خدمت نیکوم میکند.

د) این جوان به ریش سفیدان احترام م یگذارد.

10. به فرموده امام جعفر صادق (علیه السلام) برآورده کردن حاجت مومن بهتر از ..... است.

الف) یک طواف

ب) هفت طواف

ج) ده طواف

د) بیست طواف



11. چه چیزهایی باعث خوشحالی و روشنی چشم شیعیان در لحظه جان دادن می شود؟

الف) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را می بیند.

ب) حضرت علی (علیه السلام) را می بیند.

ج) پیامبر و حضرت علی (علیهما السلام) را می بیند.

د) حضرت مهدی (علیه السلام) را می بیند.

12. بهترین مفسران قرآن چه کسانی هستند؟

الف) علمای زمان

ب) عالمان شیعه

ج) اهل بیت (علیهم السلام)

د) همه موارد

13. هر کسی با اخلاص برای ظهور امام زمان دعا کند در بهشت همسایه ..... خواهد بود.

الف) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

ب) حضرت علی (علیه السلام)

ج) حضرت مهدی (علیه السلام)

د) حضرت زهرا (علیها السلام)

14. هر شیعه ای که از حضرت علی (علیه السلام) پیروی کند در روز قیامت چند نفر را می تواند شفاعت کند؟

الف) 40 هزار نفر

ب) 50 هزار نفر

ج) 60 هزار نفر

د) 70 هزار نفر

15. امام محمد باقر (علیه السلام) این حدیث را به کدام یک از یارانشان بهترین کاری که مومن در زمان غیبت انجام می دهد «فرمودند

زبانش را حفظ کند تا رازی را اشکار نسازد و همواره در خانه اش باشد تا به فتنه مبتلا نشود»

الف) زراره

ب) کمیت اسدی

ج) جابر

د) محمد بن مسلم

16. رحمت خاص خدا چه زمانی بر ما نازل می شود؟

الف) هنگام نزول باران

ب) وقتی با دعا برای ظهور دل حضرت حجت (علیه السلام) را شاد کنیم.

ج) وقتی از گناهان خود توبه کنیم.

د) هیچکدام از موارد صحیح نمی باشد.

17. این حدیث از کدام یک از معصومین (علیهم السلام) روایت شده است؟

«وقتی دل مومنی را شاد کنیم در هنگام قبر آن شادی به صورت جوان زیارویی آشکار می شود و دل مرده را شاد می کند»

الف) امام محمد باقر (علیه السلام)

ب) امام جعفر صادق (علیه السلام)

ج) امام موسی کاظم (علیه السلام)

د) امام رضا (علیه السلام)

18. دعا برای ظهور حضرت حجت (علیه السلام) .....

الف) ارزشش بیش از هزار حج است.

ب) عصاره همه خوبی هاست.

ج) وظیفه هر شیعه منتظر است

د) همه موارد

ص: 91

19. یکی از بهترین راه های شکر نعمت این است که .....

الف) به سوی رستگاری قدم برداریم

ب) از حضور عالمان بهره ببریم

ج) برای ظهور حضرت حجت دعا کنیم

د) کارهای نیک انجام دهیم

20. چگونه مجالس دعا برای ظهور را تبدیل به فرهنگ عمومی کنیم؟

الف) با برپایی مجالس دعای ندبه

ب) برپایی مجالس در مساجد و حسینیه ها

ج) برپایی مجالس در همه مناسبت های مذهبی

د) همه موارد

ص: 92

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

